



است که خود آن را «دستورنامه شاهان» شمرده است. این کتاب دارای یک مقدمه و چهار مقصد است. نثر مسجع و مزین و استوار مؤلف که با آیات قرآنی، احادیث نبوی و اشعار و امثال فارسی و عربی همراه است، از نمونه‌های خوب آثار آن عهد به شمار می‌رود.

این کتاب با استفاده از دو نسخه، یکی نسخه موزه آثار ترک و اسلام و دیگری نسخه کتابخانه سلیمانیه استانبول، تصحیح شده است.

برزنامه، سروده شمس‌الدین محمد کوسج، به تصحیح اکبر نحوی، ۳۸۵ ص، ۱۳۸۷ ش.



برزنامه سرگذشت برزو پسر سهراب است که پس از مرگ سهراب از شهر زاده می‌شود و در جوانی بی‌آنکه به نژاد خود آگاه باشد به تحریک افراسیاب با سپاهی گران به ایران می‌آید و با نیای خود، رستم، نبرد می‌کند. سرانجام در یکی از نبردها نژادش شناخته می‌شود و جنگ و ستیز به صلح و دوستی می‌انجامد. برزنامه در اصل دو منظومه جداگانه بوده است که یکی را شاعری به نام شمس‌الدین محمد کوسج در حدود قرن هشتم و دیگری را شاعری با تلخیص عطایی در قرن دهم سروده‌اند. شخصی این دو منظومه را به یکدیگر پیوند داده و منظومه‌ای بزرگ مشتمل بر حدود ۳۳۰۰۰ بیت فراهم آورده است. آنچه در این کتاب ارائه گردیده است، متن کامل بخش کهن داستان است که بر پایه پنج دستنویس تصحیح شده است.

قانون شاهنشاهی، حکیم ادریس بن حسام‌الدین بدلیسی (درگذشته ۹۲۶ق)، به تصحیح عبدالله مسعود آرانی، ۱۷۴ ص، ۱۳۸۷ ش.

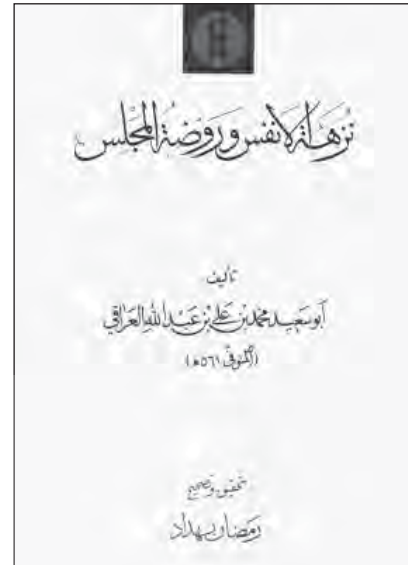
حکیم ادریس بن حسام‌الدین بدلیسی (م ۹۲۶ق) از معاریف منشیان و مورخان اواخر سده نهم و اوایل سده دهم هجری است. ابتدا وی از نویسندگان دربار سلطان یعقوب آق‌قویونلو بود و در استیلای اسماعیل صفوی بر آذربایجان از بیم جان به خاک عثمانی و دستگاه سلطان بایزید پناه برد و پس از او در دربار سلطان سلیم اول به حرمت و مکانت تمام روزگار گذراند.



از تألیفات متعدد و متنوعی که در علوم ادبی، تاریخ‌نگاری، کلام و حکمت و عرفان از وی به یادگار مانده است، منزلت علمی و قدرت نویسندگی او به‌خوبی دانسته می‌شود. یکی از آثار او همین کتاب ناشناخته قانون شاهنشاهی

زهد النفس و روضة المجلس، ابوسعید محمد بن علی بن عبدالله العراقی، تحقیق و تصحیح رمضان بهداد، ۵۲۹ص، ۱۳۸۷ش.

(ع) است که در ۳۸۵ بیت و در قالب مثنوی سروده شده و بخش دوم که «معجزنامه مولای متقیان» نامیده شده، داستان یکی از کرامات امام علی (ع) در ۲۸۱ بیت است. سراینده منظومه ناشناخته و زمان نظم آن به قرینه‌ای، پس از سال ۱۰۳۸ق و در روزگار صفویان است. مأخذ داستان بخش نخست آن شفاهی است و ناظم آن را در شهر نجف شنیده بوده است.



زهد النفس و روضة المجلس کتابی است در امثال عربی تألیف محمد بن علی بن عبدالله عراقی از دانشمندان سده ششم هجری. او این کتاب را درباره شماری از امثال عربی نوشته که در زبان مردم عامی عرب تا روزگار حیات مؤلف، دچار تحریف لفظی یا معنوی شده بوده است. نویسنده، نخست ضبط صحیح و معنای درست امثال و چگونگی کاربرد آنها را ذکر کرده و سپس به خطای عامه مردم درباره آنها اشاره نموده است.

از این منظومه ظاهراً تنها یک نسخه در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران وجود دارد که نزدیک به سالهای سرایش آن کتابت شده است. اهمیت این منظومه در موضوع بخش نخست آن است که تحلیلهای گوناگون تاریخی، جامعه‌شناختی و روانشناسانه را برمی‌تابد و برای نخستین بار یکی از گزارشهای متعدد روایت مردمی / شفاهی «رویاریبی و نبرد رستم و امام علی (ع)» را وارد قلمرو ادب رسمی فارسی کرده است.

زهد النفس تنها به امثال تحریف شده اختصاص ندارد، و در آن شماری از واژه‌های دشوار زبان عربی هم شرح شده است و عبارات و مضامین حکمت‌آمیزی را نیز دربر گرفته است.

تحفة العراقین (ختم الغرائب)، سروده خاقانی شروانی، به کوشش علی صفری آق‌قلعه، ۸۹۴ص، ۱۳۸۸ش.

خاقانی شروانی از شاعران نام‌آور سده ششم هجری قمری و یکی از تأثیرگذارترین سرایندهان در ادب فارسی است.

این اثر بر اساس نسخه خطی کاملی که تاریخ کتابت آن سال ۵۹۰ق است، تصحیح شده و همراه با نمایه‌های گوناگون در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

از خاقانی شروانی سه نوشته مستقل بر جای مانده است. یکی «منشآت» وی که شامل نامه‌های ارسالی او به بزرگان آن روزگار و افراد خانواده‌اش بوده و نموداری از شیوه نثر او می‌باشد. اثر بعدی «دیوان» او است که شامل

رستم‌نامه (داستان منظوم مسلمان‌شدن رستم به دست امام علی (ع) به انضمام معجزنامه مولای متقیان)، اثر سراینده‌ای ناشناس، به کوشش سجاد آیدنلو، ۱۱۸ص، ۱۳۸۷ش.

رستم‌نامه منظومه‌ای است در دو بخش. قسمت نخست، داستان عامیانه مسلمان‌شدن رستم به دست حضرت علی



گزارش میراث

را سرود و در خلال آن، سفری خیالی را برای «خورشید» ترتیب داد و به جای خودش — که ناکام مانده بود — «خورشید» را راهی مناطق و شهرهایی چون عراق، بغداد، کوفه، مکه و مدینه کرده و با این بهانه به ذکر آرزوی خود برای دیدار این شهرها و اماکن مقدس پرداخت. او در این میان، به مدح برخی از بزرگان این سرزمینها پرداخته است.

خاقانی برای این کار خورشید را مخاطب قرار داده و به بهانه گفتگو با خورشید، به درد دل کردن با او پرداخته است. در ضمن این گفتگوها، اطلاعات تاریخی و اجتماعی سودمندی را — به خصوص درباره زندگی خانوادگی خود — درج کرده است که شاید در جای دیگر نشانی از آنها به دست نیاید.

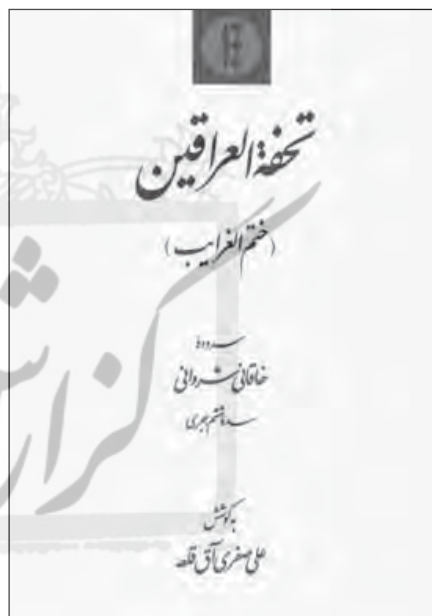
خاقانی از سرایندگانی است که با علوم ادبی روزگار خود آشنا بود و به همین دلیل گستره واژه‌ها و اصطلاحاتی که در نوشته‌ها و اشعارش به کار برده بسیار وسیع است. وی آداب دبیری و رسوم اداری آن روزگار را نیز به خوبی می‌دانسته و چنانکه در مقدمه فارسی همین پژوهش اشاره شده است، نزد شروانشاه (پادشاه شروان) به شغل دبیری نیز اشتغال داشته است. حتی در جایی از دیوانش اشاره می‌کند که خلیفه بغداد از وی خواسته است تا به شغل دبیری او بپردازد و خاقانی این کار را نپذیرفته است.

لازمه شغل دبیری، آگاهی از بسیاری دانسته‌های اجتماعی و مدنی آن روزگار و شیوه‌های اداری رایج در آن روزگار است. خاقانی علاوه بر احاطه بر این موضوعات، بسیاری از دانسته‌های خود را در شعرهایش به کار برده است و به همین دلیل شعر او از جمله شعرهای دشوار در ادب فارسی به شمار می‌آید. به همین خاطر در پژوهش حاضر تلاش شده است تا ضمن ارائه یک متن تصحیح شده، دشواریهای متن نیز گشوده شود.

تصحیح حاضر بر پایه سه نسخه خطی از دستنویسهای تحفة‌العراقین و با استفاده از تصحیح دکتر یحیی قریب — که در سال ۱۳۳۰ ش منتشر شده — فراهم آمده است.

قصیده‌ها، غزلها، رباعیها و دیگر انواع سروده‌های وی است. اثر سوم، منظومه تحفة‌العراقین می‌باشد که کتاب حاضر به قصد تصحیح و پژوهش بر روی آن فراهم آمده است.

تحفة‌العراقین دارای بیش از ۳۱۰۰ بیت است و در سال ۵۵۱ ق به جمال‌الدین موصلی (وزیر یکی از فرماندهان محلی شام و موصل) پیشکش شده است. شواهد موجود نشان می‌دهد که خاقانی این منظومه را میان سالهای ۵۴۸ تا ۵۵۱ ق سروده است. از جمله این شواهد، اشاره خاقانی به سفر ناموفقی است که برای ملاقات با محمدبن محمود — پادشاه سلجوقی — انجام داده است. می‌دانیم که این پادشاه در سال ۵۴۸ ق به سلطنت رسیده است؛ بنابراین تاریخ سرودن تحفة‌العراقین باید پس از این سال باشد.



خاقانی منظومه تحفة‌العراقین را با توصیف همین سفری آغاز کرده و آنچنان که خود وی گفته است، در این سفر موفق به دیدار پادشاه سلجوقی نشد و ناگزیر به شروان بازگشت. وی در همان زمان قصد سفر حج را نیز داشت که این سفر نیز محقق نشد و لذا او تحفة‌العراقین